

## فرهنگ مدیریت و حقوق خانواده

سید محمدعلی بلاذیان<sup>۱</sup>، سید علی محمد یثربی<sup>۲</sup>، سید عبدالرحیم حسینی<sup>۳</sup>، مجتبی الهیان<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

۲. دانشیار دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱)

### چکیده

مقاله پیش رو درباره یکی از عرصه‌های مهم مدیریت و فرهنگ آن، یعنی مدیریت در حقوق خانواده، است. چون ما در زندگی دو مملکت یا دو خانواده داریم؛ یکی بزرگ و یکی کوچک. و چه بسا این خانواده اصل و پایه آن خانواده است. پیامبر(ص) فرموده‌اند: «هیچ بنیادی نزد خداوند پسندیده‌تر از ازدواج و تشکیل خانواده نیست.» قانون اساسی نیز خانواده را واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان معرفی می‌کند. همان‌طور که کشور نیاز به مدیر و رئیس دارد، حفظ و قوام خانواده نیز نیازمند تصمیم‌گیر نهایی و محافظ و مدیر و حمایتگر است. مقاله پیش رو به مبانی عقلی و ادله فقهی و قانونی ریاست شوهر می‌پردازد. نقش پدری بمانند برای مجالی دیگر به امید حق.

### کلیدواژگان

خانواده، زن، شوهر، فرهنگ، مدیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

زندگی خانوادگی بشر صد درصد طبیعی است؛ یعنی انسان «منزلی» آفریده شده است. حتی اگر در طبیعی بودن زندگی مدنی انسان تردید کنیم، در طبیعی بودن زندگی منزلی نمی‌توانیم تردید کنیم. خانواده اجتماعی طبیعی است که مانند سایر گروه‌ها نیازمند مجموعه‌ای از قراردادهای حقوقی و اخلاقی بر اساس نیازها و استعدادهاى اعضاست.

مبدأ حیات خانوادگی همسری مرد و زن است که با آن خانواده شکل می‌گیرد و با خانواده‌ها امت و با امت‌ها کاروان بشری تشکیل می‌شود. برای نظام بخشیدن به همین مناسبات است که شرایع آسمانی حدود و قیودی برای خانواده قائل شده‌اند. خلاصه، تشکیل خانواده و تأمین سعادت زندگی همان و کمال طبیعی انسان همان. زیرا کیفیت تکوین خانواده و نوع تبیین مسائل آن وجه تمایز جوامع مختلف انسانی است. ازین‌رو، یکی از موضوعات مهم فرهنگ مدیریت در نظام حقوقی خانواده است. این موضوع از نظر فقهی و حقوقی، با توجه به مجال و ظرفیت مقاله حاضر، در دو بخش مبانی و ادله و قلمرو، با دو قید اختصار و استدلال، بررسی و عرضه شده است. تا چه در نظر آید.

## بخش اول. مبانی عقلی و ادله نقلی

در منظومه حقوقی خانواده مدیریت و ریاست با شوهر و پدر است. پشتوانه این فرهنگ مبادی فطری و تکوینی و روان‌شناختی است که در نصوص دینی و متون قانونی منعکس شده است. مستند قانونی ریاست مرد بر خانواده ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی متخذ از فقه امامیه است. آنجا که آورده است: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است»، بدین معنی که مدیریت خانواده با مرد است، هم در مقام پدر فرزندان (مواد ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ قانون مدنی) هم در مقام شوهر نسبت به همسر خویش، و در حدود روابط زوجیت قوامیت و نظارت دارد. این موضوع در دو مبحث مبانی عقلی و نظری اولاً و ادله نقلی ثانیاً بررسی می‌شود.

## الف) دلیل عقلی

خانواده به منزله واحد بنیادین جامعه، به حکم عقل، نیازمند سازماندهی و مدیریت صحیح و مطلوب است؛ طوری که گفته‌اند مدیریت و ریاست بر خانواده و برقراری نظم و

جلوگیری از نزاع و هرج و مرج در آن به کسی نیاز دارد که تدبیر و اداره امور آن را به عهده گیرد که سه تصویر در این زمینه متصور است: ۱. مرد رئیس خانواده باشد؛ ۲. زن رئیس خانواده باشد؛ ۳. تشریک در ریاست باشد.

با توجه به اینکه وجود دو مدیر برای یک کار و گروه و سازمان به اختلاف منجر می‌شود و حسب ملاک‌های روان‌شناختی آن اختلاف موجب اختلال در عواطف و پریشانی و اضطراب فرزندان خواهد شد و لازمه ریاست عهده‌داری امور و تأمین هزینه و نفقه است. عقل حکم می‌کند که مدیریت را باید برعهده مرد گذاشت، چرا که ویژگی‌های لازم در عهده‌داری این مسئولیت‌ها را داراست.

ولی این اختصاص به معنای نادیده گرفتن مسئولیت‌پذیری بانوان در تدبیر امور منزل و ایفای نقش مادری و تربیت اطفال و همیاری مرد در مدیریت خانواده نیست. بدین ترتیب، ریاست مرد بر خانواده پایه امری حکیمانه، عادلانه، فطری، و برخاسته از تکوین می‌باشد؛ چنان که بسیاری از مفسران و نویسندگان بر این واقعیت و جهات آن اذعان دارند (سبزواری ۱۴۱۸: ۵۶؛ مقدادی ۱۳۸۵: ۷۸).

### ب) دلیل نقلی

۱. کتاب: آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله و اللاتی تخافون نشوزهن فعظوهن و اهجروهن فی المضاجع و اضربوهن فإن اطعنکم فلا تبغوا علیهن سبیلاً ان الله کان علیاً کبیراً.» مردان سرپرست و نگهبان زنان‌اند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماعی) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند و زنان صالح زنانی هستند که متواضع‌اند و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خداوند برای آنها قرار داده حفظ می‌کنند و اما آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید (و اگر مؤثر واقع نشد) در بستر از آنها دوری کنید (و اگر هیچ راهی به جز شدت عمل برای وادار کردن آنها

به انجام وظایفشان نبود) آن‌ها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید (بدانید که) خداوند بلندمرتبه و بزرگ است.

شرح: واژه «قوامون» جمع «قوام» است و «قوام» صیغه مبالغه از ماده «قیام» است. ماده «قیام» اگر با «علی» استعمال شود، متضمن نوعی اختیار و سیطره بر متعلق آن است. «الرجال قوامون علی النساء» با آنکه جمله خبری است، در واقع، در مقام انشا است و مردان را به تصدی این مسئولیت فرامی‌خواند. به تعبیر یکی از مفسران «قرآن به زن نمی‌گوید تو تحت فرمان مرد هستی، بلکه به مرد می‌گوید تو سرپرستی زن و منزل را عهده بگیر» (جوادی آملی ۱۳۷۲، ۳۰۷). البته باز هم به صورت خبری که آکد برای انشاست زنان صالح را زانی معرفی می‌کند که در مقابل این موقعیت متواضع و حافظ حقوق‌اند. در ادامه ایشان می‌فرماید اگر آیه را به صورت تبیین وظیفه بیان کنیم، نه اعطای مزیت، روشن می‌شود که «الرجال قوامون علی النساء» یعنی «یا ایها الرجال کونوا قوامین» به معنی «ای مردها شما برای خانواده قیام کنید»؛ همان‌طور که برای مسائل قضایی خداوند به ما امر می‌فرماید «کونوا قوامین بالقسط شهداء لله». به قول شیخ طوسی یعنی مردان عهده‌دار حقوق همسران خویش‌اند (طوسی ۱۴۱۵: ج ۳: ۳۸۵). در ادامه خداوند دو سبب برای قوامیت معرفی می‌کند؛ یکی استعدادی و دیگری اکتسابی.

الف) «بما فضل الله بعضهم علی بعض» یعنی به سبب بعضی فزونی‌ها که خداوند برای برخی نسبت به برخی دیگر مقرر داشته است که فطری و خدادادی است.

ب) «و بما انفق من اموالهم» یعنی به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان دارند. تحلیل دوم نشان‌دهنده سببیت اکتسابی و اجتماعی قوامیت مردان بر زنان خویش است. ۲. سنت: قال الصادق (ع): «رحم الله عبداً احسن فیما بینه و بین زوجته و ان الله عز و جل قد ملکه ناصيتها و جعله قیماً علیها» (بروجردی (معزی) ۱۴۱۲: ج ۲۰، ۲۴۵). امام صادق می‌فرماید که خدا رحمت کند مردی که رابطه بین خود و زنش را به نیکی برقرار کند که به تحقیق خداوند او را سرپرست او قرار داده است.

این حدیث معتبر به‌روشنی بر مقام قوامیت و ریاست شوهر بر همسرش دلالت دارد؛ البته با فرض اینکه مرد به وظایف خود عمل و حقوق همسر خویش را به نحو شایسته ادا کند.

### بخش دوم. قلمرو ریاست مرد بر خانواده

موضوع ریاست مرد بر خانواده در دو حوزه قابل بررسی است؛ یکی حوزه زوجیت و شوهری و دیگری ابوت پدر و فرزندی، که هر یک به طور جداگانه بررسی می‌شود.

#### بخش دوم: مبحث اول. دامنه ریاست شوهر بر زن

حاکمیت از آن خداست (یوسف / ۴۰). و اصل دوم عدم سلطه حاکمیت و ولایت انسانی بر انسان دیگر است؛ مگر اینکه دلیل معتبری از جانب شارع مقدس بر این امر اقامه شود و در حقیقت به منظور رضای حضرت حق و اطاعت و حاکمیت الهی توجیه شود.

قوام بودن یا ریاست شوهر بر زن هم، اگرچه به واقع نوعی تکلیف و مسئولیت برای حمایت و مراقبت از همسر ارزیابی می‌شود، در جهت رعایت خیر و صلاح خانواده با پاره‌ای اختیارات و نوعی اشراف و اقتدار همراه شده است. البته باید توجه داشت که به قول علامه طباطبایی قوامیت مرد بر همسرش به گونه‌ای نیست که اراده و تصرف زن را از ملک خویش سلب کند یا زن را از استقلال و حفظ حقوق اجتماعی و فردی خود و دفاع از آن بازدارد، بلکه معنی آن این است که چون مرد در مقابل تمتع خود از زن مالی را به او می‌پردازد زن نیز باید در آنچه مربوط به تمتع او از زن است مطیع و در غیاب شوهر حافظ ناموس او باشد (سید محمدحسین طباطبایی ۱۳۹۴: ج ۴، ۳۴۴).

برخی نیز وجوب اطاعت زن از شوهر را مطلق دانسته‌اند و آورده‌اند که از حقوق شوهر بر زن است که از او اطاعت کند و نافرمانی نکند. در هر حال، علاوه بر لزوم اجابت خواست‌های مشروع شوهر و ایفای وظایف ناشی از زوجیت در زمینه کام‌جویی و مساکنت (تمکین شوهر) لازم است سرپرستی و مدیریت شوهر را در مسائل خانواده و امور فرزندان بپذیرد و حسن نظارت او را بر اعمال و معاشرت‌های خویش تا آن حد که به شئون زندگی زناشویی و مصالح خانواده مربوط است قبول کند و این همان چیزی است که حقوق‌دانان از آن به «تمکین عام» یاد می‌کنند. در عین حال، این تعبیر هم به معنای اطاعت مطلق و بی‌چون‌وچرایبی است که متعرض حقوق و آزادی‌های مشروع زن و محدود استقلال شرعی او نمی‌شود.

اینک به جزئیات موضوع و ریاست شوهر بر امور مالی و امور غیرمالی زن طی دو گفتار می‌پردازیم.

## گفتار اول. ریاست و مدیریت شوهر و امور مالی زن

### ۱. استقلال مالی زن

در فقه اسلامی زن از نظر مسائل مالی و اقتصادی خویش دارای استقلال و آزادی عمل است. هر کس از طریق مشروع مالی را اکتساب کند مالک آن می‌شود و در این زمینه تفاوتی بین زن و مرد نیست. در حقوق ایران، به پیروی از فقه، زن از نظر مالی مستقل و دارای اهلیت تصرف است. اصل ۲۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. اگر در این مورد اختیار شوهر در اموال زن باشد، منظور این است که زن حتی در اموال شخصی خود هم بدون نظر شوهر تصرفی نکند (فهم کرمانی ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۴۸).

به نظر یکی از نویسندگان آنچه در مجموع ثابت می‌شود توصیه اخلاقی و غیرالزامی است که در جهت حفظ مصالح زن مشورت با شوهر و موافقت او را برای تصرفات مالی زن مناسب دانسته است (مقدادی ۱۳۸۱: ۱۲۵).

### ۲. ریاست شوهر و نفقه زن

در فقه اسلامی تکلیف مرد به پرداخت نفقه از مسلمات است. آیا می‌توان نفقه را از فروع ریاست مرد به حساب آورد؟ برخی چنین دیدگاهی دارند. برخی دیگر نفقه را از آثار ازدواج و از تکالیف ناشی از زوجیت می‌دانند (امامی ۱۳۷۶: ج ۴، ۴۳۳). بلکه، برعکس، ریاست را ناشی از پرداخت نفقه برشمرده‌اند.

در بررسی متون فقهی دو نظر وجود دارد تحت اینکه نفقه همانند مهریه به موازات عقد نکاح بر شوهر واجب است و نافرمانی و نشوز زن مانع و مسقط حق نفقه است. دوم اینکه شرط وجوب نفقه تمکین زن است. پس چطور نفقه از آثار ریاست است؟

علاوه بر این، اگر شوهر به دلیل عروض سفاهت فاقد شرایط تصدی سمت ریاست

شود و منعزل شود، باید آثار ریاست برداشته شود؛ حال آنکه قیم سفیه موظف است نفقه همسر او را به مقدار متعارف و متناسب با وضعیت زن از اموال او پرداخت کند. اصولاً زمینه ریاست مرد بر همسر در امور غیرمالی است که خواهد آمد؛ مگر در مواردی که امور مالی زن با مصالح زندگی مشترک مرتبط باشد که موظف به رعایت این شئون و مصالح است.

### گفتار دوم. ریاست شوهر و امور غیرمالی زن

گستره ریاست شوهر در امور غیرمالی از دو جهت مصلحت‌اندیشی و مراعات حقوق و آزادی‌های شرعی و قانونی زن محدود می‌شود. در عین حال تشخیص مصادیق و موارد آن قابل مطالعه و ملاحظه است که به ترتیب می‌آید.

#### ۱. ریاست شوهر و نظارت بر رفت‌وآمد زن

در فقه امامیه مشهور بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر باید رضایت و اجازه او را به دست آورد و مرد می‌تواند در خروج بدون اجازه او منع کند. صاحب جواهر آورده: «از حقوق زوج این است که زوجه بی‌اذن او از خانه‌اش خارج نشود» (نجفی، بی‌تا: ج ۳۱، ۳۰۶) و امام خمینی نیز آورده: «جواز خروج زن منوط به اذن شوهر است، حتی اگر برای دیدن خانواده و پدر و مادرش باشد» (امام خمینی ۱۴۱۸: ج ۲، ۳۸). استاد شهید مطهری آورده: «مصلحت خانوادگی ایجاب می‌کند که خارج شدن زن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت‌اندیشی باشد. البته مرد هم باید در حدود مصالح زندگی نظر بدهد و نه بیشتر» (مطهری ۱۳۶۱: ۸۸).

روایتی که محمد بن مسلم با سند معتبر و صحیح از امام باقر<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند این است: «زنی نزد پیامبر<sup>(ص)</sup> آمد و عرض کرد ای رسول خدا حق شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمودند اینکه زن از شوهر اطاعت کند و نافرمانی نکند و بی‌اذن او از خانه خارج نشود و اگر بدون اذن او خارج شود فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه او را لعن و نفرین می‌کنند تا زمانی که برگردد» (حر عاملی، بی‌تا: ج ۱۴، ۱۱۱).

## ۲. ریاست شوهر و کار و اشتغال زن

همه افراد، اعم از زن و مرد، از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند؛ لکن بحث در اشتغال زوجه با لحاظ حقوق شوهر و موقعیت ریاست او بر خانواده و رعایت شئون خانوادگی اوست. از طرف دیگر چون اشتغال زوجه حسب معمول مستلزم بیرون رفتن زن از منزل شوهر است قابل بحث است. یکی از حقوقدانان آورده است زن می‌تواند به هر کاری اشتغال ورزد که منافی با وظایف او، که در اثر زناشویی ملتزم بر آن شده است، نباشد؛ مگر آنکه شوهر از نظر ریاست خانواده، که به دستور ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی عهده‌دار است، آن را منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زن یا خود تشخیص دهد که در این صورت می‌تواند زن را منع کند.

## ۳. ریاست شوهر و تنبیه همسر

خداوند متعال در آیه ۲۴ سوره مبارکه نساء، بعد از بیان قوامیت، فرموده است: «آن دسته از زنان که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید. اگر مؤثر نشد، در بستر از آنها دوری کنید. و اگر هیچ راهی جز شدت عمل برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود آنها را تنبیه کنید. و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید. (بدانید) خداوند بلندمرتبه و بزرگ است.» در روایتی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم که فرمودند: «من در شگفتم از کسی که زن خود را می‌زند و او خود برای کتک خوردن از زنش سزاوارتر است. زنان را با چوب نزنید که قصاص می‌شود؛ بلکه آنان را از نظر غذا و پوشاک (ترک انفاق) ادب کنید تا در دنیا و آخرت راحت باشید» (مجلسی ۱۳۷۵: ج ۱۰، ۲۴۹). و روایت معروف دیگری از امام باقر (ع) منقول است که منظور از زدن در آیه را به زدن با چوب مسواک تفسیر کرده‌اند (طبرسی ۱۴۰۸: ج ۳، ۶۹).

با این همه، به موجب آیه شریفه، باید اعتراف کرد که در مورد زنان ناشز، که به ناحق به سرکشی و برتری‌جویی و پایمال کردن حقوق مسلم شوهر ادامه می‌دهند و با کج رفتاری و بدکرداری خود کانون خانواده را تهدید می‌کنند و بدون هیچ عذری شوهر را از خود می‌رانند، حق تنبیه و زدن برای شوهر به عنوان آخرین راه‌حل پیش‌بینی شده است. بر



اساس قانون هم مرد می‌تواند زن را به تمکین و برآوردن خواست‌های مشروع خود وادار سازد و شکوه خانواده را در سایه صلح و آرامش بر جای دارد. در حقیقت زنی که با نصیحت و نیز با هجر و تأدیب روانی به راه نیامده است زنی است که بازگشت او به خیر و صلاح بدون ضرب ممکن نمی‌شود. زیرا زن عاقل و متعادل بانویی است که نصیحت را می‌پذیرد و به تفاهم می‌رسد (مقدادی ۱۳۸۵: ۱۴۹؛ فضل‌الله ۱۴۰۸ ق: ۱۳۳).

این بود جایگاه ریاست مرد بر خانواده از حیث شوهری. جایگاه پدری فرصتی دیگر می‌طلبد که باشد در مقالاتی دیگر به امید حضرت حق.

### نتیجه

مبانی عقلی و ادله فقهی ریاست در امور خانواده را امری موجه و تردیدناپذیر می‌شمرد. در قانون مدنی متخذ از فقه امامیه، ماده ۱۱۰۵، ریاست شوهر بر خانواده امر قطعی تلقی شده است.

گستره قوامیت و ریاست امور مربوط به مصلحت و حفظ نظام خانواده است. زن در اموال و دارایی خویش از استقلال مالی برخوردار است؛ هرچند در فقه و برخی احادیث مشورت با شوهر و بهره‌گیری از تجربه و عقل معاش وی در این مورد توصیه شده است. در زمینه امور غیرمالی به منظور حفظ صلاح و حیثیت خانواده شوهر می‌تواند بر معاشرت‌ها و اشتغال زن اعمال نظارت کند.

## منابع

۱. امام خمینی (۱۴۱۸). *تحریر الوسیله*، قم، اسماعیلیان.
۲. امامی، سید حسن (۱۳۷۶). *حقوق مدنی*، ج ۱۲، کتاب فروشی اسلامیة.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). *زن در آینه جلال و جمال*، ج ۳، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت، دار احیاء تراث عربی.
۵. الحویزی، عبد علی (۱۳۳۴). *تفسیر نور الثقلین*.
۶. سبزواری، سید عبدالعلی (۱۴۱۸ ق). *مواهب الرحمن*، قم.
۷. طباطبایی، سید محمدحسن (۱۳۹۴). *المیزان*، قم، اسماعیلیان.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ ق). *التبیان*، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
۱۰. العاملی، زین الدین بن علی (۱۴۷۶ ق). *مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۱. الکلینی الرازی، محمد بن یعقوب کافی (۱۳۰۴). *تراث*، دار الکتب.
۱۲. لطفی، اسدالله (۱۳۹۰). *آیات الاحکام خانواده*، تهران، خرسندی.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). *بحار الانوار*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۳). *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱). *مسئله حجاب*، قم، انتشارات اسلامی، وابسته به جامع مدرسین.
۱۶. مقدادی، محمد مهدی (۱۳۸۵). *ریاست خانواده*، تهران، شورای فرهنگی زنان.
۱۷. نجفی، محمدحسن، بی تا، *جواهر الکلام*، بیروت، دار احیا.
۱۸. یشربی، سید علی محمد (۱۳۹۷). *حقوق خانواده*، تهران، سمت.